

# در کشورهای گمراه شد سگتور

## دولتی اقتصاد خصلت آشکار ضد امپریالیستی دارد

کشورها سگتور دولتی اقتصاد هنوز سوسیالیستی نیست، ولی سرمایه - داری هم بوده نمیتواند، یعنی خصلت انتقالی دارد و امکاناتی را بوجود میآورد که بدون طی مرحله سرمایه - داری پایه های مادی و فنی نظام نوین اجتماعی ایجاد میشود.

این حرف درست است که اغلب کشور های نو استقلال آسیائی و آفریقائی به خطر جدیدی مواجه هستند. موضوع بحث ما بورژوازی پیروکراتیک یا به اصطلاح «ملاک» پیروکرات و تاجر پیروکرات، است که با اختلاس و رشوه ستانی کیسه های خود را پر میکنند. پیسر اقتصادی این کشور هارا ضعیف تر میسازند، پول های فراوان را بخارج انتقال میدهند و منافع خود را با امپریالیسم در میآمیزند. بورژوازی رشوه ده، با رخنه کردن در دستگاه دولتی و در سازمانهای اقتصادی چون «خفاش خون آشامی شیره حیاتی» پیکر جوانی را که هنوز قوام نیافته است، میگیرد. «مرتجعین میخوانند همیشه سگتور دولتی را در برابر سگتور خصوصی بی اعتبار سازند و قسمتی از آنرا دستبردزدند، حاصلدهی کار را با این آوردند و کارگران را تحت فشار قرار دهند و کیفیت و کمیت محصولات را خرابتر سازند و سپس آنرا بر پایه اقتصاد سرمایه داری تغییر ما هیت دهند. بدین ترتیب رشد و تکامل اقتصاد و جنبش ضد امپریالیستی را دچار وقفه نمایند.

ارتجاع بازرنگی و مهارت تمام تالیفات تیپ بورژوازی سعی میکند که از موضوع، سوء استفاده نموده و از طریق نمایندگان خود اعلام دارد که سگتور دولتی برای رشد سریع اقتصاد نمیتواند سرمشق و نمونه باشد. بنابه ادعای مرتجعین و عمال استعمار نوین «سگتور دولتی اقتصاد بیشتر مظهر اسراف و تبذیر و بی ثمری اقتصادیست» و گویا موجب بیکاری و علت اصلی فقر و جهل و بیماری میگردد و تقویه سگتور دولتی اقتصاد وابستگی ما را به امپریالیسم ... بار میآورد.

از آنجا نیکه سگتور دو لسی در کشور های کم رشد ماهیت ضد امپریالیستی و ضد فئودالی دارد، امپریالیسم و محافل ارتجاعی تلاش مینمایند که آنرا بی اعتبار سازند. بنابراین «مبارزه در راه تقویت و تکامل سگتور دو لسی یکی از مهمترین وظایف ... نیروهای مترقی است که در راه دموکراسی ملی مبارزه میکنند. باید تذکر داد که حتی در بگده از کشور های آسیائی و آفریقائی (جمهوریت متحد عربی، سوریه، الجزایر، مالی، گینی، برما) که دموکراسی ملی هنوز به پیروزی نرسیده، اما سگتور دولتی خصلت آشکار ضد امپریالیستی خود را نشان داده است و سگتور دولتی

دشوار تر بین و پیچیده تر بین و طاقتی که در برابر ملل کشور های کم رشد قرار دارد و وظائف چندین جانبه اقتصادی و از آنجمله تقویه و تکامل سگتور دولتی اقتصاد است که خصلت ضد امپریالیستی دارد. بعضیها سگتور دولتی اقتصاد را در کشور های کم رشد غا لیا سرمایه داری دولتی یا «سرمایه داری پیروکرات ... (!)» تعریف میکنند. چنین تعریفی برای دوران تکامل غیر سرمایه داری بسیار کلی و مبهم است. معذرا اگر اصطلاح سرمایه داری (کاپیتالیسم) دولتی را نیز بکار بریم، باز هم در اینجا تذکر این نکته ضروری است که سرمایه داری دولتی در کشور های در حال رشد، با سرمایه داری انحصاری دولتی در کشور های امپریالیستی تفاوت دارد. در کشور های کم رشد، سرمایه داری دولتی و شکل نخستین و عمده آن یعنی سگتور دولتی اقتصاد هم وسیله مبارزه با انحصار های امپریالیستی و اقتصاد استعماری درین کشور ها ست و هم وسیله رشد سریع اقتصاد ملی و پیشروی در راه استقلال اقتصادی. بخصوص در کشورهایی که مناسبات سرمایه - داری در آنها قوام نگرفته است، امکانات وسیعی وجود دارد که از سگتور دولتی به نفع مردم و برای ایجاد بنیاد اقتصادی استقلال ملی و دموکراسی سیاسی استفاده بعمل آید. باید خاطر نشان کرد که درین

## امنیت عامه و طبقات حاکمه

محافل حاکمه ارتجاعی، غالباً مفهوم «امنیت عامه» را وقتی عنوان کرده اند که منافع طبقاتی شان در خطر افتاده است و با استفاده از این سلاح آماده، جلو هرگونه نهضت و جنبش را برای حفظ مواضع استمرکانه و بقای تسلط خویش، سد نموده اند.

مثلاً هرگاه فردی و یا گروهی از عناصر وطن پرست، بخاطر تأمین آزادیهای دموکراتیک و حفظ حقوق مردم علیه بیدادگریها و ستمهای پیشمار طبقات حاکمه بپاخاسته و مبارزه برداخته اند، فوراً سرنیجه امنیت - عامه (!) گریبان شان را گرفته و رهسپار شکنجه گاهها گردیده اند. همچنان اعمال ضد قانونی مانند قیودات در برابر آزادی فکری و بیان و اجتماعات جزا های مخالف کرامت انسانی، مجازات بدون محاکمه علنی و حضوری، توقیف های خلاف قانون، تعذیب های تحمل شکن، تعقیب ها، تعرضات به مسکن اشخاص، تجاوز به آزادی و محرمت مخابرات مردم، ظلم و ستمگری متنفذین و مستبدین محلی، رشوه ستانی مأموران بی رحم، قتل و تجاوز، سوزاندن دهقانان بی دفاع، دزدی و سرقت، کار های اجباری، تحمیل و استثمار مادی و معنوی زحمتکشان به اشکال مختلفا سالهاست که خلفهای کشور را در منجلا ب و وضع رقت با ری نگه داشته است.

کیا نیست گفته شود «وضع احوالات» و سایر دستگاههای استخباراتی و جاسوسی فعال ما بشاء کشور عمر ها ست چون هیولا ی وحشتناکی بر زندگی خلفهای ما سایه افکنده و عمال آنها چون شیخ هرامن انگیزی به تعقیب عناصر ملی و وطن پرست می پردازند و بر ضد ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای مردم عمل می نمایند و بالای توده های وسیع زحمتکشان دردها و شهرها ستمها و مصائبم انگیزی را تحمیل میکنند.

این وقایع، هر روز در کشور ری اتفاق می افتد که محافل حاکمه سیاسی آن، سالهاست داد از آن عامه و گرامت بشری میزنند در حالیکه امنیت و کرامت تنها برای متنفذین و مستبدین وجود دارد. نه برای



# ناشرانیده های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (ششم) ۲۹ حمل ۱۳۴۷ هـ ۱۸ اپریل ۱۹۶۸ ع

## راه غیر سرمایه داری راهیست بسوی آزادی و خوشبختی خلفها

پیروزی عظیم جنبش آزاد بپخش ملی و بیدایش دو لتهای جدیدیکه به استقلال سیاسی نایل گردیده اند، سیمای جهان استعماری را دگرگون ساخت. جهان در مرحله نوین و عالیتر انقلابی خروشان رهائی بخش ملی کام نهاد و امکاناتی بوجود آمد که این جریانها عمیقاً به انقلابهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری جهانی بدل کردند. هدف این موج نیرومند جنبش انقلابی، استقلال اقتصادی و ترقی اجتماعی است. انتخاب راه رشد غیر سرمایه داری از طرف یک سلسله از کشور های مستقل نو بنیاد آسیائی و آفریقائی، یکی از حوادث مهم این جریان انقلابی جهانی را تشکیل میدهد. اتخاذ این راه رشد در دوران کنونی جنبش - آزادیبخش ملی ناشی از ضرورت عینی است که با واضع و احوال داخلی و بین المللی این کشور ها ارتباط دارد.

### مبارزه نجات بخش ملی به پیش میرود:

تنها با احراز استقلال سیاسی، مبارزه نجات بخش ملی پایان نمیرسد. کشور های مستقل نو بنیاد با تشکیل دولت های ملی، برای استقلال اقتصادی و تقویت استقلال سیاسی، د لیوانه و بیکسیر مبارزه میکنند.

خلفهای کشور های که در ظاهر امر مستقل اند ولی عملاً در قید وابستگی سیاسی و اقتصادی انحصارات سرمایه داری بیگانه بسر میبرند، به مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی هوا دار آن بپاخاسته اند.

نیرومندی روز افزون سوسیالیسم و ضعف امپریالیسم به مقیاس جهانی به خلفهای کشور های آسیائی - آفریقائی و امریکائی لاتین امکانات وسیعی برای میسر میسازد تا به تجدید حیات ملی خود پردازند و به فسر و عقب ماندگی دیرینه پایان بخشند و به استقلال اقتصادی نایل آیند. ولی شرط اساسی نبل به استقلال اقتصادی، عبارت از مبارزه بیکسیر علیه امپریالیسم و سرمایه داری جهانی است. چه امپریالیسم با لیسیسم باشیوهها و اشکال نوین استعماری کوشش میکند تا مستعمرات سابق و کشور های نیمه مستعمره را در قید سیمستم اقتصاد سرمایه داری جهانی نگه دارد.

عمده ترین شیوه و شکل نوین استعمار، توطئه و تقب گذاری و تعرض امپریالیستیها در عرصه اقتصادی است. امپریالیستیها به بهانه کمک به کشور های کم رشد آسیا و آفریقا تشویق راه رشد سرمایه داری، تقویه



از «ص اول»

## راه غیر سرمایه داری ...

فروش بگذارند ...

سکتور خصوصی اقتصاد و صدور سرمایه انحصارات خارجی و تشکیل شرکت های مختلط و همچنان از طریق تخریب و تبلیغات سست - بنیاد و واهی علیه راه رشد غیر سرمایه داری ، علیه سکتور دولتی اقتصاد ، علیه پلان گذاری دولتی می خواهد مواضع سابق از تجاعی خود را در این کشور ها استحکام بخشند و مواضع جدیدی بدست آورند، تکیه گاه اجتماعی خود را توسعه دهند و به اصطلاح بورژوازی ملی و «تاجران ملی» را بسوی خود جلب کنند ، درین مرحله جنبش آزاد یبخش ملی، محافل ارجاعی فتودالی و طبقات ستمگر داخلی به منابه پایگاهی عمده ، نقش متحد امپریالیسم را ایفا میکنند .

این نیرو های سیاه داخلی و خارجی میکوشند که جنبش آزادیبخش را در نیمه راه نیل به استقلال اقتصادی متوقف سازند و آزادی اقتصادی کشور های کم رشد را در سایه نگاهدارند .

پس سوال در اینجاست که علم مخالفت را علیه بسط و توسعه موصلات و محاسبات ، زیر سازی اقتصادی ، سروی منابع طبیعی، افزایش تولید انرژی، برق، ذغال ، گاز و غیره برافراشتن، عملاً قرار گرفتن در موضع مدافعین استعمار - نوین نیست؟ واقعاً قرینه سازی های نادرست چطور انسان را بگمراهی سوق میدهد ... (۱)

سکتور خصوصی اقتصاد و صدور سرمایه انحصارات خارجی و تشکیل شرکت های مختلط و همچنان از طریق تخریب و تبلیغات سست - بنیاد و واهی علیه راه رشد غیر سرمایه داری ، علیه سکتور دولتی اقتصاد ، علیه پلان گذاری دولتی می خواهد مواضع سابق از تجاعی خود را در این کشور ها استحکام بخشند و مواضع جدیدی بدست آورند، تکیه گاه اجتماعی خود را توسعه دهند و به اصطلاح بورژوازی ملی و «تاجران ملی» را بسوی خود جلب کنند ، درین مرحله جنبش آزاد یبخش ملی، محافل ارجاعی فتودالی و طبقات ستمگر داخلی به منابه پایگاهی عمده ، نقش متحد امپریالیسم را ایفا میکنند .

این نیرو های سیاه داخلی و خارجی میکوشند که جنبش آزادیبخش را در نیمه راه نیل به استقلال اقتصادی متوقف سازند و آزادی اقتصادی کشور های کم رشد را در سایه نگاهدارند .

پس سوال در اینجاست که علم مخالفت را علیه بسط و توسعه موصلات و محاسبات ، زیر سازی اقتصادی ، سروی منابع طبیعی، افزایش تولید انرژی، برق، ذغال ، گاز و غیره برافراشتن، عملاً قرار گرفتن در موضع مدافعین استعمار - نوین نیست؟ واقعاً قرینه سازی های نادرست چطور انسان را بگمراهی سوق میدهد ... (۱)

به هر حال یکی از مسایل اساسی که در برابر خلقهای کشورهای کم - رشد قرار میگردد اینست که این کشور ها برای تأمین استقلال کامل ملی و رشد اقتصادی چه راهی را باید به پیمایند. راه رشد سرمایه داری یا غیر سرمایه داری؟

## راه رشد سرمایه داری :

راه رشد سرمایه داری بملل این کشور ها چه میدهد؟ «سرمایه داری راهی پر از زنج و درد برای خلقهاست، سرمایه داری نمیتواند پیشرفت سریع اقتصاد را تأمین کند و فقر و گرسنگی را از میان بردارد. در نظام سرمایه داری نا برابری اجتماعی تشدید میگردد. تکامل سرمایه داری در دهقانان را بیش از پیش به فقر و گرسنگی و خانه خرابی میکشاند. سرنوشته کارگران یا کار توافرسنا برای افزایش قدرت سرمایه داران خواهد بود و یا بیوسستن به صفوف لشکر سیاه روز بیکاران. بورژوازی کوچک در رقابت با سرمایه بزرگ بسر اشیب و شکستگی در خواهد غلتید. توده ها از نعمت فرهنگ و تحصیل همچنان محروم خواهند ماند. روشنفکران مجبور خواهند شد استعداد و قریحه های خود را به معرض

از «ص اول»

## امنیت عامه ...

توده های محروم و ستمکش .

در طول تاریخ کشور، بیو سته لبه تیغ حامیان به اصطلاح «امن عامه» با حدت و فشار هر چه بیشتر، علیه خلق زحمتکش بخصوص علیه آن عده از همو طنان شریف، مبارزان را ه آزادی، دموکراسی و استقلال ملی افغانستان بکار افتاده، که در جهت ضد منافع طبقات حاکمه قرار گرفته اند .

تاریخ مبارزات ملی ما مشحون از قربانیها و یاد کار های شهیدای راه آزادی است، که نیرو های سیاه استبداد و استعمار آنان. بیرحمانه قربان خود سری ها، هو سهای شخصی و منافع طبقاتی خود کرده اند حلالا نکه با رها بمللا حظه رسیده است که محافل حا کمه سیاسی کشور از جنایت کاران، از گروه های ظالم و ستمگر شهری و محلی، از طبقات حاکمه ارجاعی، از ملاکین فتودال استثمار گر دهات که حتی دهقانان شریف و زحمتکش کشور را زنده میسوزانند، خصومتی نمیکردند .

مرتجعین و مستبدین کشور همیشه از وجود آن نیرو های وطنپرست و ترقی خواه در نشو ویش میباشند که آنها مصمم اند فساد، ظلم و ستمگری و استثمار غیر انسانی را از کشور ریشه کن سازند و جامعه مرفه و مترقی نوین و واقعاً با من را بنا نهند، بزیر آمو جو ذیت این نیرو های رزمنده و مبارز بقا و دوام استبداد، ارجاع امپریالیسم، فتودالیسم، استثمار، استعماری را در کشور مورد تهدید قرار میدهد .

مالین اتهامات بی پایه را که گویا مبارزات عادلانه مردم در راه ایحای حقوق شان موجب اخلال امنیت میشوند از ریشه رد می نمایم و معتقدیم که این منافع ستمگرانه طبقات حاکمه ارجاعی، تجاوز استبداد و ارجاع بر آزادیها و حقوق مردم، فقر، مرض، جهل و بیکاری و شیوه اداره استبدادی است که موجب اخلال امنیت را فراهم میگرداند و تا این عوامل از طریق مبارزات دمو کراتیک طرد نگردد، تأمین امنیت به شیوه عادلانه امکان نا پذیر خواهد بود .

(بارق شفیعی)

میدهد ... توده های مردم را از نادانی و جهالت بیرون میکشد و آنها را با فرهنگ معاصر آشنا میسازد. در برابر روشنفکران آفاق وسیعی برای کار خلاق بنفع خلق پدید میگردد. این امر که مستعمرات سابق که اکنون دارای استقلال سیاسی اند از این دوره رشد کدام راه را انتخاب کنند، منوط است به چگونگی تناسب قوای طبقاتی درین کشورها .

«راه تکامل غیر سرمایه داری در نتیجه مبارزه طبقه کارگر، توده های مردم و جنبش دموکراتیک همگانی تأمین میگردد و چنین راهی با منافع اکثریت ملت مطابقت دارد» .

تصریح این امر ضروریست که تعقیب پاره بی از هد فها و مقاصد در زمینه راه رشد غیر سرمایه داری بعنوان «سو سیالیسم» در بعضی از کشور های کم رشد آسیائی و افریقائی از سوسیالیسم علمی بدور میباشد، ولی آنچه مهم است اینست که این جریانات و نظرات در آتش پیکار و خوئین با امپریالیسم پدید گشته و محتوی دموکراتیک همگانی «ضد امپریالیستی نوع جدید میباشد که هدفش محو تمام بقایای فتودالیسم و مناسبات طائفه ای و قبیله ای است» .

روی این حقایق امپریالیسم و عمال سیاه و زرنگ استعمار نوین پیوسته دشمن تعقیب راه رشد غیر سرمایه داری در کشور های کم رشد آسیائی و افریقائی بوده و سعی میکنند که از بسط و توسعه آن بجهت هدف غائی جلوگیری نمایند .

در خاتمه این نظر اجمالی و فشرده بر دو راه رشد، خاطر نشان میگردد که راه غیر سرمایه داری از نظر مفهوم تاریخی خود، جریانیست انقلابی که بنابر تغییر در شرایط معاصر جهان امکاناتی برای یک سلسله کشورهای نو بنیاد بوجود آورده است، که بدون طی مرحله سرمایه داری و یا بدون طی مرحله سرمایه داری قوام یافته صنعتی، به «هدف غائی» انتقال کند، به این معنی که راه رشد غیر سرمایه داری در دوران کنونی جنبش های آزادیبخش ملی «در حدود معین همان نقش تاریخی را بازی میکند که بروفق قوانین تکامل اجتماعی میبایست سرمایه داری ایفا نماید. ولی این وظیفه در جریان تکامل غیر سرمایه داری

(ص ۳)

برو پیش برو به نیروی ایما ن ، به تلاش زانوان ، به دوازنج خراشیده با سر انگشتان خوئین  
برو ، پیش برو ، از یاد میر ، باید بروی ، بابد برسی ، از افتادنت باک نیست برو تاد دیگران بروند . تاد دیگران برسند  
بزودی انسانها ب حرکت آیند، آنگاه توبک تن نزار نیستی، هزار ها تنی، ترا اگر درهم شکنند، انسانها را کی توان شکست ؟  
شکست تو شکست نیست ، اما بیروزی تو بنیاد بیروزی انسانست  
برو ، پیش برو ، ای مرد آینده!

(۰۰۰)



# در کشورهای گهر شد...

در آنکشور ها بمنابه سلاحی برای تحکیم استقلال ملی و بایگامی برای دستاورد اهای دموکراتیک ، مورد استفاده خلقها و نیرو های ترفیخواه قرار میگردد .

## سکتور دولتی در افغانستان :

تو ضیح همه جانبه و علمی اینموضوع را به آینده محول میکنیم زیرا این سوالها باید روی حقایق و ارقام روشن گردد که : آیا در اقتصاد افغانستان سکتوردولتی تسلط دارد؟ آیا تقو یه سکتور دولتی بزرگترین ومؤثرترین عامل وابستگی اقتصادی با امریالیسم بشمار میرود؟ آیا علت اصلی فقر ، بیکاری، جهل و بیماری ودشمن عمده سکتوردولتی است؟ آیا اقتصاد کشور را ما «اقتصاد دولتی» آنهم بنام سکتور - دولتی مسما شده میتواند؟ و دهها مطلب دیگر . مهبذک ارتجالا ارائه ارقام ذیل گویای این حقیقت است که تا کنون سهم سکتور دولتی درحجم کلی تولیدات ملی رقم ناچیزی را نشان میدهد :

از «ص ۲»

## راه غیر سرمایه داری ....

نخست در موعده تاریخی کوتاه و فشرده می انجام میشود و ثانیاً بآورد ورنج ذاتی سرمایه داری توأم نیست .

اینکه میگویند: در وضع موجود سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی افغانستان راه رشد غیر سرمایه داری تعقیب میگردد، ادعائییست بکلی میان تبهی و بی بنیاد .

ما چنین ادعائی را که بدون در نظر گرفتن وضع عمومی کشور از لحاظ ساختمان و محتوی عمده اقتصادی - اجتماعی و ماهیت طبقاتی و ارتجاعی طبقه حاکمه و محافل سیاسی آن باطرحی ساده و عوامفریبانه در برابر جنبش و خلق ارائه کرد، جدآرد میکنیم و درآینده وسیعاً درینموضوع تماس خواهیم گرفت . لیکن تا جائیکه به اصول مرامی و مشی سترا تیزیک دموکراتیک خلق از تباط میگیرد، ما در راه ایجاد شکل حکومت دموکراسی ملی و محتوی اقتصادی آن

یعنی راه رشد غیر سرمایه داری در مرحله کنونی جنبش آزادیبخش ملی و دموکراتیک ضد امریالیسم وضد فئودالیسم مبارزه خواهیم کرد و با تحلیل علمی و درک درست شرایط اجتماعی کشور و در نظر گرفتن امکانات و اوضاع بین المللی بر مبنای اصول جهانییتی علمی در کشف راه های نامکشف جامعه خود دلیرانه بجهت هدف غائی به پیش خواهیم رفت و علیه هرگونه نیروهای سیاه ارتجاعی و مصنوعی که در برابر

## هفته خوان چه دوطن به در دسوخیری ماتری زرخله قربان او صدقه کبری که سل خله په مخ لویزی پورته کبری چه دم رنگ به پوله ناست دی لاخوخیری

بزرگ خارجی میتوان پیروز مندانه مبارزه کرد. توسعه سکتور دولتی اقتصاد یکی از موضوعات عمده مبارزه طبقاتی است، چه نیرو های مترقی همواره در راه تحکیم و توسعه این بخش مبارزه میکنند، در حالیکه نیروهای ارتجاعی و امریالیسم برای جلوگیری از رشد و توسعه اعتبار جلوه دادن آن تلاش میکنند .

سکتور دولتی اقتصاد که پایه اقتصادی دولت دمو کراسی ملی را تشکیل میدهد، در صورتی تأمین شده میتواند که تجارت خارجی، مؤسسات انحصاری خارجی، مؤسسات و شرکتهای بزرگ اقتصادی داخلی، بانکها و شرکتهای بیمه ملی گردد، رشته های جدید اقتصاد دولتی ایجاد و رشد سرمایه داری خصوصی محدود شود .

لذا ضروریترین و مهم ترین موضوعی که برای نیروهای وطنپرست دموکراتیک و ترفیخواه کشور در شرایط کنونی مطرح میگردد، ریشه کن کردن مناسبات اجتماعی و اقتصادی فرتوت فئودالی، از طریق اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری و تکامل سکتور دولتی اقتصاد، که بهر حال خصلت ضد امریالیستی دارد، بجهت منافع توده های عظیم مردم و تحکیم روابط اقتصادی و تکنیکی و فرهنگی افغانستان با کشورهای صلح و ست و پیشرو است، تا بدینوسیله قیود امریالیسم و فئودالیسم از دست و پای نیروهای تولیدی برداشته شود . جنبش دموکراتیک و ملی افغانستان یک جنبش ضد امریالیستی و ضد فئودالی است که محتوی کلی آن عبارت است از: محو بقایای استعمار، ریشه کن کردن نفوذ سیاسی و اقتصادی امریالیسم و انهدام نظامات و بقایای فئودالی و ما قبل فئودالی ، انجام اصلاحات اساسی ارضی ، رشد و توسعه سریع صنایع ملی، دموکراسی کردن زندگی اجتماعی و بهبود ارتقای سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم و تعقیب سیاست خارجی مستقل و صلحجویانه . اینها وظایف مبرمی استند که بر پایه آنها و برای اجرای آنها، اتحاد جمیع نیروهای وطنپرست و ترفیخواه کشور ما، درجهت واحد دموکراتیک و ملی، که استخوان بندی آنرا اتحاد طبقه کارگر و دهقانان تشکیل میدهد، امکان پذیر است. «کاو»

سکتور دولتی اقتصاد درحجم کلی تولیدات ملی (آنهم در قسمت صنعتی) بیش از پنج فیصد نمیشاند . ارقام فوق نشان دهنده این واقعیت نیز است که در شرایط موجود نظام اقتصادی - اجتماعی و اوضاع سیاسی کشور، مناسبات فئودالی و تجاری بزرگ دلال وابسته به امریالیسم تسلط کامل دارد، نه سکتور دولتی اقتصاد. عبارت دیگر باید خاطر نشان ساخت که قسمت اعظم عواید حاصله از حجم کلی تولیدات ملی، به طبقه ملاکین بزرگ ارضی (ملاکین فئودال) و متحدین وی یعنی قشر تجار بزرگ دلال و قشر بورژوازی و بیرو کرات و نمایندگی های انحصارات بزرگ سرما به داری خارجی تعلق میگیرد تا به سکتور دولتی اقتصاد و کارگران و دهقانان (مؤلدین واقعی) .

به همین جهت بجز آن میتوان گفت که این ملاکین فئودال و متحدین آن تجار وابسته به امریالیسم و محافل حاکمه سیاسی آنست که بحیث دشمن عمده خلق و بحیث مانع عمده در برابر رشد سریع اقتصاد کشور قرار دارد و بزرگترین ومؤثرترین عاملیست که میخواهد وابستگی اقتصاد کشور ما را به نفع امریالیسم به تحریک عمل سیاه و زرنگ استعمار نوین تعمیم دهند . این نوع استدلال که سکتوردولتی در کشورهای کم رشد آسیائی و افریقائی، از آن جمله در کشور ما، علت فقر و بیکاری و مانع رشد سریع اقتصاد ملی میگردد، بجز ، از طرف روشنفکران و ایدئولوگهای فئودالی و بورژوازی و عمال سیاه و زرنگ استعمار نوین دیگر از هیچ جناحی تاکنون اظهار نگردیده است و نباید اختلاس و رشوه ستانی ماموران بزرگ ، سوء اداره اقتصادی، فساد و مصارف زائد دستگاه اداری دولت ... و غیره که محصول سیستم های خاص اجتماعی - اقتصادی است، سبب نفی سکتور دولتی گردد .

ما بآدرک شرایط خاص جامعه خود و بر اساس دانش نوین و تجارب کشورهای دیگر معتقدیم که سکتور دولتی اقتصاد مساعدترین زمینه را برای استفاده از اصول پلاننگداری اقتصادی و پرورش زحمتکشان برای اداره امور اقتصادی فراهم میسازد و از راه همین بخش اقتصاد است که در برابر سرمایه های

ارزش حجم کلی تولیدات صنعتی بشمول تولیدات معدنی در سال ۱۳۴۵ معادل ۱۳۷۷ میلیارد افغانی، ارزش تولیدات صنایع دستی درین سال ۹ میلیارد افغانی و ارزش پیدا وار زراعتی ۳۷۳ میلیارد افغانی ، که مجموع ارزش حجم کلی تولیدات صنعتی و زراعتی درین سال ۵۹ میلیارد افغانی میشود که ازین جمله طبق سنجشهای تخمینی سهم سکتوردولتی اقتصاد در حدود ۳ میلیارد افغانی میباشد .

هرگاه سهم سکتوردولتی اقتصاد را در قسمت تجارت نا چیز خارجی و همچنان در قسمت زیر سازی اقتصادی (سربک و مخابرات که علی العموم در تمام کشورهای جهان جزء وظایف عادی دولت بشمار میرود و هیچ عقل سلیم اجازه نمیدهد که به سکتور خصوصی تحویل داده شود) خارج بحث ببنداریم ، ارقام بالا بوضاحت نشان میدهد که سهم

جریان بر افتخار و اعتبار دموکراتیک - خلق وطن محبوب ما قرار گیرد، در چوکات اصول و اخلاق عالی مترقی بی هراس بیکار خواهیم کرد .

در پایان این بحث مقدماتی پرسشهایی را در میان میگذاریم که آیا در دوران کنونی جنبش آزادیبخش ملی نفی راه رشد غیر سرمایه داری در کشورهای نو بنیاد آسیائی و افریقائی بمعنای تأیید راه رشد سرمایه داری نیست؟ آیا تأیید راه رشد سرمایه داری درین کشور ها دفاع از سرمایه داری جهانی و کمال مطلوب انحصارات سرمایه داری و امریالیسم نیست؟ و در نتیجه آیا این کشورها در صورت تعقیب راه رشد سرمایه داری پیوسته اما جگه استعمار نیمه استعماری قرار نخواهند گرفت و نقش «دهکده ای در مقیاس جهانی» را ایفا نخواهد کرد؟ آیا امریالیسم و رژیم های ارتجاعی هوا دار امریالیسم پیوسته بوسیله ایدئولوگهای فئودالی و بورژوازی، راه رشد غیر سرمایه داری را در کشورهای کم رشد از طریق تخریب و بدنام کردن سکتور دولتی اقتصاد در نظر و عمل نمیکنند؟ آیا کسانی که راه رشد غیر سرمایه داری و سکتور دولتی را ناشیانه و بدون تحلیل علمی میکنند ، خود حامل نظرات امریالیستی و عمال سیاه و زرنگ استعمار نوین نیستند؟ پاسخ در ست به این سوالها برده از روی حقایق بر میآورد .

(آمو)

### تذکر :

نسبت تراکم مضامین توضیح برخی از لغات و اصطلاحات... و بستون «لحظه ثی بادوستان» درآینده تقدیم می شود .



من از مبارزه طولانی و شرایط متفاوتی آموختم که:  
هر گز در مسایل اصولی گذشت نکنم .  
همیشه در چهره واقعیت بنگرم . بنوده مردم، اعتمادی استوار داشته باشم .

سعادتى بالا تر از آن نیست که سرنوشت شخص ، باسر نوشت خلقش، که رهایی بخش انسانیت است، در آمیزد .  
سعادتى واقعی تر از آن نیست که، شخص به نبرد خویش ادامه دهد .  
غرورى بجای از این نیست که، مشعل فروزان معرفت نوین را، بدست نسل بالنده بسپريم .  
به پیروزی بهره دهان بهره گشنان، ایقانی تزلزل ناپذیر داشته باشیم .  
خو شنسی وجدانی، عالی تر از آن نیست که در جهت تاریخ و ترفی،  
ورهای بهره دهان و ستمگشنان، گام برداریم .

«م.ت»  
انتخاب م.ن

## خلق ویتنام در راه آزادی ملی صلح و تمامیت ارضی خود دلیرانه پیکار میکنند

ملت قهرمان ویتنام مصمم است به پیکار عادلانه آزادی بخش ملی خود، بخاطر آزادی کامل ملی، وحدت مجدد و بی طرفی سرزمین خویش تا سر حد پیروزی نهائی ادامه دهد، قوای بیگانه را از خاک خود بیرون کند، سر نوشت آئنده خود را خود تعیین نماید و با همه ملل جهان، بسون در نظر داشتن رژیم های اجتماعی شان، مناسبات دوستانه داشته باشند. ولی در برابر آن، امیر یالیزم بین المللی می خواهد در زیر پرده حمایت از حکومت دست نشانده خویش در سیکون ویتنام جنوبی را به پایگاه نظامی خویش مبدل سازد و شیوه خاص زندگی آمریکائی را بر مردم آن تحمیل نماید و بدینوسیله راه پیش نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را بسوی تمام حوزه جنوب - شرق آسیا باز کند و از آن در راه حفظ و تحکیم پایگاه های نظامی خویش در بحر الکامل و بحر هند استفاده نماید. برای رسیدن به این هدف است که امپریالیستها جنگ ظالمانه ایرا بر مردم ویتنام تحمیل نموده و دامنه آنرا روز تا روز وسعت میدهند. بقول ستیفن - پنگ سناتور آمریکائی جنگ ویتنام «بیش از نصف قوای هوائی اضافه از دو بر سه قوای زمینی و نصف قوای بحری آمریکا» را به خود جذب نموده است، که اگر نیروی متحدین آنرا بر آن بیفزائیم، بیش از یک میلیون و چند صد هزار عسکر مسلح و مجهز با عسری ترین سلاحها و تجهیزات نظامی وارد میدان جنگ گردیده است. از آنجائیکه امیر یالیزم در برابر جنبش آزادی - بخش ملی مردم ویتنام و انکار عامه تمام بشریت مترقی و صلح خواه ( به شمول خلق صلحدوست آمریکا ) می جنگد، هرگز موفق نیست و نخواهد شد که راه و روش خاص زندگی خود را بر مردم ویتنام تحمیل نماید. چه ملت ویتنام که

## هر گز نهر د....

استاده ام، فراز پلی، بر کمانه ها گسترده ام نظر، تا دامن افق،

آنجا که آسمان هری تا کرانه ها گویی بخون نبشته حدیث زمانه ها و زعصرهای طی شده گوید فسانه ها

شامست و خامشی، و دل و دردهای من با مستی و خروش باشور بیکران راه افق گرفته به بال صدای من و زشیون شکستن زنجیر های من جان میدمد بخاک هر یوانوای من

در رنگهای مغرب زیبای این دیار خوانم حدیث خون خونیکه رفته است در باستان زمان ز رنگ مردمان پار تا بر کشد باوج فلک کاخ اقتدار از بهر آرزوی یکی مرد نابکار .

زانسو شب سیاه چو دیوی ز خاوران بروادی خموش بر بستر هری

یعنی برین هرات، برین شهر باستان دامن کشد بنفع گروه ستمگران پنهان کند فغانخ تاراج بیگ و خان

هر بو که باد آورد از دشت سوی من از سبزه با ز گل از بته یاز خار

فریاد حسرتیست که آید بسوی من رنج نگفته ای که کند جستجوی من آه فراموشیست که خیزد بسوی من

هر قاتلیکه دست بدین مرز یافته آنکه، بکام خویش در ظلمت هوس

سوزیده عالمی و یکی شهر ساخته اوکام نا گرفته، برو خصم تاخته سر ها بیاد رفته و کاشانه باخته

هر فاتحیکه آمده، گویی که طفل خام

## کار اجباری

خبر نکار بر چم از ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ اطلاع میدمد که مامورین آن ولسوالی خلاف ماده سی و هفتم قانون اساسی، یک هزار و چهار صد و سیزده نفر از دهقانان زحمتکش و اهالی تهید ست چهل و هشت قریه خرد و بزرگ را در آغاز سال جاری، بدون پرداخت دستمزد، طی چندین روز بیمه، مجبور به بیگار نموده و بالای ده هکتار زمین مستکش آن گوشه کشور، روزانه نه ساعت کار شاقه را تحمیل کرده اند .

کارکنان پرچم این روش مامورین حکومت را یک عمل ضد قانون تلقی کرده، معتقد اند تا زحمتکشان کلیه اقوام کشور در راه تعمیم و تعمیق دموکراسی و تطبیق ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی مبارزه نه نمایند. هر گز از قید متفدین محلی و محافل حاکمه و از رنج بیگار و کار های شاقه رهایی نخواهند یافت .

در لحظه فراغ، در راه کاروان،

بگذاشته زریگ بیابان بنای بام باد زمانه آمده بر کنده اش تمام نی نقش خانه مانده بجای و نه نقش گام

لیکن هنوز مردمک شهر هاهرات استاده جابجا آرام و استوار

یعنی نگشته معنو ز غارتگر زمان از جانرفته از ستون و قهر فاتحان دارد هنوز مردم آگاه و قهرمان

شمشیر جباران نتوان کشت روح خلق بر وادی هری تاریخ شا هد است

آمد هزار موج و نجیب کوه خلق هرگز نهرود ز پرستهما گروه خلق پاینده باد زندگی بر شکوه خلق. «سلیمان لایق»

## اعتصاب شاگردان

شاگردان تخنیک عالی در جریان دو هفته اخیر بقرض دفاع پاره‌ی از مطالبات صنفی خود پنج روز پیهم اعتصاب کردند و ضمن تظاهرات آرام و منظمی بولسی جرگه رفته شکایات خود را بمقامات مسؤول سپردند .

پرچم انتظار دارد تادر مورد مطالبات صنفی شاگردان تخنیک عالی بر خورود جندی صورت گیرد و تسهیلات لازم بخاطر ارتقای سطح تحصیلات تخصصی فرزندان کشور فراهم گردد .

## پرچم

به دو زبان پښتو و دری فعال پروژهای بنچشینه نشر می شود

سال تاسیس : حوت ۱۳۴۶	اشتراک
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول : سلیمان «لا یق»	مرکز: سا لانه ۱۰۰ - افغانی ولایات و پښتو نستان: سا لانه ۱۱۰ - افغانی
آدرس : غوثی هارکیت	خارج کشور: سا لانه ۱۰۰ - ادالر
محمد جانخان واپ کابل - افغانستان	قیمت یک شماره: ۲ - افغانی
نمبر حساب جاری جریبه:	۳۸۵۲ پښتنتی تجارتی بانک.

دولتی مطبعه

(بهیر)